



An Analysis of the theological and moral challenge of interpreting verses 1-10 of Surah Abasa from the viewpoint of Fariqain

Marzieh Varmarziar¹

Received: 03/07/2021

Accepted: 20/11/2021

Abstract

The circumstances of the various revelations (of verses of the Qur'an) has made it difficult to provide a logical and unchallenged interpretation of verses 1-10 of Surah Abbas. Paying attention to the infallibility of the Holy Prophet in the field of Islamic theology on the one hand and his moral status in the field of Islamic ethics on the other hand is one of the most important challenging points in these interpretations. This paper divides the views of Shiite commentators, which arise from three different revelations, into four groups using a library and descriptive-analytical method after analyzing the views of famous Fariqain (the two groups of Islam including Shiite and Sunni) commentators. According to the Sunni commentators, some of these interpretations are addressed to the Holy Prophet (PBUH) and while stating reasons, they do not see it in conflict with his infallibility and moral status. Other groups of commentators believe that these verses do not address the Holy Prophet. This view, while right and famous, has a point of ambiguity that has been overlooked. The third category results from the two mentioned views. The author of this paper, by providing reasons, chooses the fourth group of Shiite commentaries in order to insist on the right and famous opinion of the Shiite commentators that this commentary accompanies, and to remove the ambiguity in their commentary with this choice.

Keywords

Surah Abasa, beliefs, ethics, Sunni interpretations, Shiite interpretations.

1. PhD student in Islamic Ethics, University of Islamic Studies (comprehensive dimension), Qom, Iran. varmaziar14@gmail.com.

*Vermziar, M. (1400 AP). An Analysis of the theological and moral challenge of interpreting verses 1-10 of Surah Abasa from the viewpoint of Fariqain. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 3(8), 0 pp. 110-129. Doi: 10.22081/jqss.2021.61326.1120.

تحليل تفسيري للآيات الأولى من سورة عبس من منظار الفريقين وكيفية التغلب على معضلاتها الكلامية والأخلاقية

مرضية ورمزيار^١

تاريخ القبول: ١٤٤٣/٠٤/١٤

تاريخ الاستلام: ١٤٤٢/١١/٢٢

الملخص

إنّ وجود شؤون النزول المختلفة يجعل من الصعب تقديم تفسيرٍ منطقيٍّ للآيات العشرة الأولى من سورة عبس دون أن يجابه اعتراضاً أو تحدياً. وأهمّ المصاعب التي تجابه المفسّر لهذه الآيات في هذا المجال هما مشكلتا كيفية التوفيق بينها وبين مقام عصمة الرسول الأكرم صلّى الله عليه وآله كما في علم الكلام الإسلامي من جهة، ومكانته الأخلاقية طبقاً لمعايير الأخلاق الإسلامية من جهة ثانية. وهذه المقالة التي تنتهج الأسلوب المكتبي والتصنيفي التحليلي تبدأ بتحليل رأي المفسّرين المشهورين لدى الفريقين، ثمّ تقسّم نظريّات مفسّري الشيعة الناتجة من شؤون النزول الثلاث المختلفة إلى أربع مجموعات. إحدى هذه المجموعات من التفاسير تتطابق في الرأي مع مفسّري أهل السنّة وتعتبر خطاب الآيات موجّهاً إلى الرسول الأكرم صلّى الله عليه وآله، وتذكر بعض الدلائل التي لا ترى من خلالها تنافياً بين الآيات وبين مقام العصمة والمكانة الأخلاقية للرسول. والمجموعة الأخرى من التفاسير ترى نزاهة وبراءة ساحة الرسول الأكرم صلّى الله عليه وآله من أن يكون هو المخاطب في هذه الآيات. وهذا الرأي وإن كان صحيحاً وحقاً وهو

١٠٨

مِظَانُ الْعِلْمِ

سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰ (پیاپی ۸)

١. طالبة دكتوراه في الأخلاق الإسلامية بجامعة المعارف الإسلامية. قم، إيران. varmazyar14@gmail.com

* ورمزيار، مرضية. (١٤٤٣). تحليل تفسيري للآيات الأولى من سورة عبس من منظار الفريقين وكيفية التغلب على معضلاتها الكلامية والأخلاقية. مجلة دراسات في العلوم القرآنية (فصلية علمية - محكمة)، ٣(٨)، صص ١١٠ - ١٢٩.

Doi: 10.22081/JQSS.2021.61326.1120

المشهور، لكنّه يَحمِل في طَيّاته إبهاماً غفلت عنه هذه الآراء. والمجموعة الثالثة ترى إمكانية الجمع بين الرأيين المذكورين أعلاه. أمّا كاتبة هذا المقال فتقدّم دليلاً تستند عليه لتختار المجموعة الرابعة من التفسيرات الشيعية كي تتمسك بالرأي الصحيح والمشهور للمفسّرين الشيعة الذين ينسجم هذا التفسير مع آرائهم من جهة، وكي ترتفع بهذا الاختيار نقطة الإبهام الموجودة في تفسيراتهم من جهةٍ أُخرى.

الكلمات المفتاحية

سورة عبس، العقائد، الأخلاق، تفاسير أهل السنة، تفاسير الشيعة.

واکاوی چالش کلامی و اخلاقی تفسیر آیات ۱-۱۰ سوره عبس از نگاه فریقین

مرضیه ورمزیار^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۲

چکیده

شأن نزول‌های مختلف، ارائه تفسیر منطقی و بدون چالش از آیات ۱-۱۰ سوره عبس را با دشواری همراه کرده است. توجه به مقام عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حوزه کلام اسلامی از یک سو و منزلت اخلاقی ایشان در حوزه اخلاق اسلامی از سوی دیگر از مهم‌ترین نقاط چالش برانگیز در این تفاسیر است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی بعد از واکاوی دیدگاه مفسران مشهور فریقین، نظریات مفسران شیعی را که برخاسته از سه شأن نزول مختلف است، به چهار گروه تقسیم می‌کند. یک دسته از این تفاسیر، مطابق نظر مفسران اهل سنت‌اند و خطاب آیات را متوجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند و ضمن بیان دلایلی، آن را با مقام عصمت و منزلت اخلاقی ایشان در تنافی نمی‌بینند. دسته دیگر تفاسیر، ساحت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را مبرا و منزله از خطاب این آیات دانسته‌اند. این نظر در عین حق و مشهوربودن، نقطه ابهامی با خود به همراه دارد که از نظرها مغفول مانده است. دسته سوم، دو نظر گفته‌شده را قابل جمع می‌دانند. نویسنده این نوشتار، با ارائه دلیل، گروه چهارم از تفاسیر شیعی را برمی‌گزیند تا هم بر نظر حق و مشهور مفسران شیعی که این تفسیر با آن همراهی دارد، اصرار ورزد و هم نقطه ابهام موجود در تفسیر آنان را با این انتخاب مرتفع سازد.

کلیدواژه‌ها

سوره عبس، عقاید، اخلاق، تفاسیر اهل سنت، تفاسیر شیعه.

۱. دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (بعد جامع)، قم، ایران. varmazyar14@gmail.com

* ورمزیار، مرضیه. (۱۴۰۰). واکاوی چالش کلامی و اخلاقی تفسیر آیات ۱-۱۰ سوره عبس از نگاه فریقین.

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۳(۸)، صص ۱۱۰-۱۲۹. Doi: 10.22081/jqss.2021. 61326.1120

مقدمه و طرح مسئله

آیات سوره عبس با نكوهش كردن و مورد عتاب قرار دادن شخصی كه روی ترش كرد و به نایبایی به نام «ابن ام مكتوم» پشت كرد آغاز می‌شود، بی‌آنكه شخصی كه روی ترش کرده و پشت کرده است به صراحت مشخص باشد؛ چون فعل‌های «عبس»، «تولی» و «جاءه» در آیات نخست سوره عبس به صورت ماضی غایب آمده است، بدون آنكه مرجع ضمیر آنها در آیات آمده باشد. فردی نایبنا وارد می‌شود و می‌خواهد برای او قرآن بخوانند تا حفظ كند و هدایت شود؛ سپس آیاتی كه چندین عتاب سنگین در بر دارند، شخصی را خطاب قرار می‌دهند. دلیل این نكوهش و عتاب این است كه آن شخص به اغنیای مشرك به جهت دعوتشان به حق توجه دارد و از آن نایبناى حق طلب غافل بوده است. دلالت آیات به این مقدار، صریح و قطعی است. طبق آیات نخست سوره عبس، از نظر خداوند غفلت از آن نایبناى روشن دل موضوعیت دارد و نباید صورت می‌گرفت؛ از این رو شخص غفلت‌كننده، مورد نكوهش و عتاب خداوند قرار گرفته است. آنچه در این آیات محل اختلاف مفسران است، مرجع ضمیر غایب و مخاطب است كه مراد از آنها چه كسی هستند. آیا هر دو ضمیر (غایب و مخاطب) به يك شخص بازگشت دارند و اگر پاسخ مثبت باشد، علت تغییر ضمیر از غایب به مخاطب چیست؟ در پاسخ، مفسران شیعه و اهل سنت اختلاف نظر دارند و حتی میان مفسران شیعه نیز اختلاف نظر است.

پیشینه

درباره این موضوع دو مقاله با عناوین «بررسی رویکرد مفسران در تفسیر آیات نخست سوره عبس» نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی و احترام رستمی در فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال هشتم، پاییز ۱۳۹۶ شماره ۳۱، صص ۷-۲۴ و نیز «تحلیل دیدگاه تفسیری فریقین در خصوص آیات آغازین سوره عبس» نوشته سید کاظم محسنی در مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، پیاپی ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۲۵-۱۴۲

نگاشته شده است و آن دو مقاله در نوع خود ارزشمند است. وجه امتیاز این پژوهش از آن دو مقاله به شرح زیر است:

۱. در هر دو مقاله، دیدگاه مفسران شیعی به دو گروه تقسیم شده است؛ ولی در این مقاله به چهار گروه تقسیم و تبیین شده است.

۲. آن دو مقاله، همچنان که در عنوان و درون آنها آمده است، به گردآوری دیدگاه‌ها پرداخته و با بررسی تحلیلی به تبیین موضوع پرداخته‌اند و نویسندگان محترم در عین سعی و اهتمام قابل تقدیرشان، راه برون‌رفتی برای رهایی از چالش موجود ارائه نداده‌اند، مگر نویسنده مقاله دوم که در این زمینه خارج از شأن نزول یا دیدگاه‌های مفسران، راه‌حلی ادبی ارائه کرده است؛ ولی در این مقاله نگارنده بعد از بررسی و تحلیل نظریات مختلف شیعه و اهل سنت و تبیین چالش اخلاقی کلامی موجود، در پایان، راه برون‌رفت از آن چالش را ارائه داده و تلاش کرده این راه‌حل براساس شأن نزول و دیدگاه‌های مفسران موجود باشد و نه راه‌حلی خارج از آن دیدگاه‌ها.

۳. نکته بسیار مهم و متفاوت این پژوهش از پژوهش‌های یادشده (علاوه بر بحث چالش اخلاقی کلامی موجود تبیین‌شده در هر سه مقاله) نقطه ابهامی است که نگارنده این پژوهش در نظر غالب و مشهور مفسران شیعی به آن عنایت داشته و آن را تبیین کرده است و در پایان از تفسیر علی بن ابراهیم قمی برای مرتفع‌ساختن آن استفاده کرده است. این مهم در پژوهش‌های یادشده ملاحظه نمی‌شود. مرد نایبنا به کدام سمت سعی دارد، به سمت رسول خدا ﷺ یا فردی از بنی‌امیه؟ چرا مرد نایبنا به مجلس رسول خدا وارد گردید؟ آیا قصدش آموزش و هدایت بود یا قصدش ورود به مجلسی بود که هم رسول خدا ﷺ و هم دیگران و به‌ویژه آن فرد از بنی‌امیه حضور داشت؟ در قرآن قصد مرد نایبنا از ورود به مجلس رسول خدا مشخص نشده است؟ پاسخ به این دو سؤال، شأن نزول تفسیر علی بن ابراهیم قمی را از دیگر مفسران شیعی اندکی متفاوت می‌سازد که در رفع ابهام مورد نظر از نظر نگارنده مؤثر است.

۴. توجه به شأن نزول اندکی متفاوت در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از دیگر شأن نزول‌های ذکرشده در تفاسیر شیعی، از سوی نگارنده این پژوهش و پذیرش آن البته با

ارائه استدلال مناسب، به عنوان راه برون‌رفت از چالش موجود و نیز ابهام موجود در نظر مشهور مفسران شیعی، در پیشینه این پژوهش یعنی دو مقاله نام‌برده مشاهده نمی‌شود. در بررسی دیدگاه‌های مفسران شیعه و سنی، دیدگاه‌های هر یک از دو دسته مفسران به صورت جداگانه و با توجه به سیر تاریخی آنها ذکر می‌شود، تا در پایان، بتوان آسان‌تر به یک تقسیم‌بندی جامع نظرها براساس شأن نزول، ادبیات و مقام عصمت و اخلاق پیامبر دست یافت. این قدم نخست و ضروری این نوشتار است. نقد و ملاحظات نگارنده بر این بررسی و تحلیل‌ها، برای تبیین چالش اخلاقی کلامی موجود قدم دوم است تا مسیر را برای ارائه راه‌حلی معتبر و مطلوب در رفع این چالش و نیز ابهام موجود در نظر غالب و مشهور مفسران شیعی، در قدم نهایی هموار سازد.

۱. دیدگاه مفسران مشهور شیعی به ترتیب تاریخی

از قرن نخست نزول قرآن کریم تا کنون مفسران شیعه صدها تفسیر برای قرآن نوشته‌اند که بیان دیدگاه همه آنان در مورد آیات نخست سوره عبس، در یک مقاله ممکن نیست؛ از این رو دیدگاه برخی مفسران معروف شیعه را به ترتیب تاریخی بیان می‌کنیم.

۱. علی بن ابراهیم قمی (از روایات بزرگ شیعه در قرن سوم هجری) در تفسیر خود می‌نویسد: شخص نابینای فقیر، «عبدالله بن ام‌مکتوم» بود. هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کنار برخی بزرگان و صنادید عرب، از جمله شخصی به نام «عثکن» بود، وی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله ابن‌ام‌مکتوم را بر عثکن مقدم کرد و این سبب ناراحتی عثکن و روی برگرداندن وی از شخص نابینا گردید (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۴۰۴-۴۰۵). بر این اساس، ضمایر در «عبس و تولى» به عثکن برمی‌گردد. عتاب‌های آیات بعدی در سوره عبس نیز متوجه عثکن است که با این عمل خود، به آن نابینای فقیر توهین و بی‌حرمتی کرد.

۲. ابوالقاسم، علی بن حسین، مشهور به سیدمرتضی علم‌الهدی (۳۵۵-۴۳۶ق) ساحت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از روی ترش کردن و رویگردانی از نابینای فقیر (عبدالله بن ام‌مکتوم) منزه می‌داند و معتقد است عتاب قرآن متوجه شخصی از اصحاب آن حضرت است که

از این ام‌مکتوم روی برگرداند. ایشان با دلایل مختلف قرآنی، روایی و عقلانی توجه عتاب قرآن به رسول اکرم ﷺ را رد می‌کند، از جمله:

(الف) قرآن، پیامبر ﷺ را صاحب خلق عظیم می‌داند (قلم، ۴).

(ب) خداوند به پیامبر ﷺ فرموده است، اگر غلیظ‌القلب بودی، مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند (آل‌عمران، ۱۵۹).

(ج) قرآن پیامبر ﷺ را از دور کردن کسانی که صبح و شام خدا را می‌خوانند، نهی کرده است (انعام، ۵۲).

(د) در سنت پیامبر ﷺ چنین آمده است که در مصافحه با مردم هرگز دستش را نمی‌کشید و رها نمی‌کرد.

(ه) رسول اکرم ﷺ با دشمنان عبوس نبودند، چه رسد به مؤمنان حق‌طلب؛ از این رو عبوس بودن از اخلاق آن حضرت در قرآن نیست (علم‌الهدی، بی‌تا، صص ۱۱۸-۱۱۹).

۳. ابو‌جعفر محمد بن حسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) با اندک تفاوتی و با شأن نزولی متفاوت از علی بن ابراهیم، در تفسیر تبیان خود می‌نویسد: شخص نابینای فقیر، «عبدالله بن ام‌مکتوم» بود. هنگامی که پیامبر ﷺ مشغول صحبت با صنادید عرب بود، که عتبه بن ربیع، ابوجهل، عباس بن عبدالمطلب، اُبی و امیه بن خلف از جمله آنها است، به امید اینکه اسلام بیاورند، وی بر پیامبر اکرم ﷺ وارد شد. شخصی از بنی‌امیه به نام «عثمان»، که از ثروت‌مندان بود، با آمدن آن نابینای فقیر، دامن خود را جمع کرد و به جهت فضلی که برای خود قائل بود، از آن نابینا روی برگردانده، به او پشت کرد. پیامبر ﷺ آن مرد ثروت‌مند را به جهت این رفتار ناپسند مورد عتاب قرار داد. بنابر این تفسیر، ضمایر غایب متوجه عثمان و ضمایر خطاب نیز متوجه شخص وی، از سوی پیامبر است.

شیخ طوسی نیز در تفسیر خود، ساحت رسول ﷺ را از اینکه ضمایر غایب در «عبس و تولی» را به ایشان برگردد، منزه می‌داند و روی برگردانیدن و پشت کردن پیامبر به شخص نابینا و مورد عتاب خدا قرار گرفتن آن حضرت و مخاطب بودن ایشان را در آیات با ذکر همان چهار دلیلی که سید مرتضی ذکر کرده بود، رد می‌کند. وی معتقد است آن شأن نزول و تفسیر، با ادله ذکر شده، هم‌خوانی ندارد (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، صص ۲۶۸-۲۶۹).

۴. فضل بن حسن طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ق) بعد از ذکر دیدگاه‌های مختلف از سید مرتضی، جایی و دیگران، می‌گوید: ضمیر غایب در «عبس و تولى» به خود رسول اکرم ﷺ برمی‌گردد و این پیامبر ﷺ بوده است که به جهت دعوت مشرکان به اسلام و مشغولیت به صحبت با آنها از تکرار خواسته نابینا ناراحت می‌شود. ایشان عمل پیامبر ﷺ را خلاف عصمت نمی‌داند و عتاب خداوند را هم هدفمند می‌داند و بدون وارد بودن خللی به شأن پیامبر اکرم ﷺ، تبیین خود را این چنین بیان می‌کند:

الف) عبوس شدن بعد از نهی از سوی خداوند، حکم معصیت پیدا می‌کند و پیش از آن معصیت نیست.

ب) عبوس شدن پیامبر ﷺ، معصیت نیست، زیرا آن شخص نابینا است و جایز است خداوند نیز عتاب نماید به اینکه ألفت با مؤمن برای استواری بر ایمان، مقدم بر شرک است.

ج) کار نابینا، نوعی بی‌ادبی بود و عبوس شدن پیامبر ﷺ جهت تأدیب، کار خطایی نبود؛ زیرا ابن ام‌مکتوم، کلام پیامبر ﷺ با بزرگان را چندین بار به تکرار قطع کرد و باعث ایداء پیامبر ﷺ گردید. عتاب خداوند برای پیامبر ﷺ نیز به خاطر از بین رفتن توهم دیگران از توجه پیامبر ﷺ به بزرگان مشرکان به خاطر ریاست و غفلت از شخص نابینا بود و حدیث «مرحبا» پیامبر ﷺ که هر وقت نابینا را می‌دید به او می‌فرمود: «مرحبا بر تو که باعث شدی، من از مهمی، غفلت نورزم» شاهد این مدعا است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، صص ۶۶۳-۶۶۵).

۵. سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ق) در تفسیر البرهان با دیدگاه سید مرتضی و شیخ طوسی، هم‌نظر است، چون شأن نزولی که برای سوره ذکر می‌کند، مطابق دیدگاه سید مرتضی و شیخ طوسی است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، صص ۵۸۲-۵۸۳).

۶. عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی (از علمای قرن یازده هجری) دو دیدگاه علی بن ابراهیم قمی و امین الاسلام طبرسی و دلایل آنها را نقل می‌کند و بیانی در جهت تأیید یا رد یکی از دو دیدگاه ابراز نمی‌کند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، صص ۵۰۹-۵۱۰).

۷. علامه سید محمد حسین طباطبایی (۱۳۲۱-۱۴۰۲ق) بعد از رد محکم رجوع ضمائر

غایب در «عبس و تولى» و ضمائم مخاطب در آیات بعدی آن، به حضرت رسول ﷺ، ضمائم غایب را به شخصی از بنی امیه باز می گرداند و خطاب عتابها را متوجه او می داند، نه شخص پیامبر ﷺ.

ایشان با قاطعیت مدعای خود را طرح و با دلایل محکم به اثبات می رساند از جمله:
الف) در آیات نخست سوره عبس دلالت روشنی وجود ندارد بر اینکه شخص مورد نظر در ضمائم «عبس و تولى»، پیامبر اکرم ﷺ باشد.

ب) شواهدی وجود دارد که ثابت می کند مراد آیه، غیر رسول خدا ﷺ است. شیوه و سنت پیامبر ﷺ به گونه ای بود که حتی در رفتار با کفار عبوس نبود، چه رسد نسبت به مسلمانان که بخواد در برخورد با یک مسلمان عبوس باشد. آن حضرت در طول زندگانی مبارکشان دیده نشد که به خاطر جلب نظر اغنیا از فقرا روی برگرداند.

ج) دلایلی که سید مرتضی و شیخ طوسی بیان کرده اند، مورد پذیرش علامه طباطبایی قرار گرفته و بر آنها اتمام دارد.

د) افزون بر آیاتی که سید مرتضی برای اثبات ادعای خودش بیان کرده است، علامه طباطبایی چندین آیه دیگر ذکر می کند که مفهومان با شأن نزول رایج و مرسوم و نسبت ضمیر غایب به پیامبر ﷺ ناسازگار است:

«وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده و برای مؤمنانی که از تو پیروی کردند، بال خود را بگستر و متواضع باش» (شعراء، ۲۱۴-۲۱۵).

«لَا تُمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ ای پیامبر! به آنچه که ما با آن گروههایی از کفار را کامیاب کرده ایم چشم مدوز و بر آنان اندوه مخور و بال محبت خویش را برای مؤمنان بگستر» (حجر، ۸۸)

«فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ؛ پس آنچه بدان مأموری را آشکار کن و از مشرکان روی برتاب» (حجر، ۹۴).

ه) علامه طباطبایی در پاسخ به دلیل امین الاسلام طبرسی که گفته است عبوس شدن

بعد از نهی از سوی خداوند، حکم معصیت پیدا می‌کند و پیش از آن معصیت نیست، به دلیل عقلی استناد می‌جوید و می‌گویید: ترشروی به یک مؤمن نابینا و رویگردانی از وی از نظر عقل قبیح محسوب می‌شود و هر عاقلی، چه رسد به خاتم الانبیا، از آن متنفر است و قبح عقلی به نهی لفظی نیاز ندارد؛ زیرا هر عاقلی می‌داند ملاک فضیلت، دارایی و ثروت نیست؛ بنابراین نمی‌توان گفت عبوس شدن بعد از نهی از سوی خداوند، حکم معصیت پیدا می‌کند و پیش از آن معصیت نیست؛ چون قبح عقلی، بعد و قبل ندارد و صدورش از صاحب خُلق عظیم، محال است.

و) خداوند درباره پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴). واژه خُلق به ملکه راسخ در دل گفته می‌شود و کسی که صاحب خلق عظیم است، عمل منافی با آن انجام نمی‌دهد.

ز) از امام صادق علیه السلام نقل شده است این آیه، درباره مردی از بنی امیه است که دامانش را از آن نابینا جمع کرد؛ بنابراین مورد عتاب خداوند واقع شد.

ح) علامه طباطبایی روایت «مرحبا» را که از قول پیامبر ﷺ نقل شده است، نمی‌پذیرد و می‌گوید چطور ممکن است پیامبر ﷺ آن قدر این مطلب را تکرار کند که شخص نابینا از تکرار این حادثه در گذشته، شرمنده اخلاق خوب پیامبر ﷺ شود و باعث گردد گاهی در مجلس پیامبر ﷺ حاضر نشود، به جهت حیای از اینکه مجدد پیامبر ﷺ آن را تکرار نماید. این رفتار نیز با اخلاق متعادل پیامبر ﷺ هم‌خوانی ندارد. هرگز پیامبر ﷺ رفتاری انجام نمی‌دهد که باعث شرمندگی بنده‌ای از بندگان خداوند گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، صص ۲۰۰-۲۰۱).

۸. در تفسیر نمونه دیدگاه‌های مفسران درباره آیات نخست سوره عبس و شأن نزول‌های ذکر شده در روایات و تفاسیر برای سوره عبس آمده و گفته شده است هریک از دو شأن نزول و هریک از دو تفسیر برای آیات نخست سوره عبس می‌تواند درست باشد و مشکلی به وجود نمی‌آید؛ هر چند آیات نخست سوره عبس بر اینکه ضمیر غایب در آیات متوجه چه کسی است، دلالت روشنی ندارد.

بنابراین تفسیر نمونه از یک سو شأن نزولی که در آن، ضمیر غایب متوجه شخصی به نام «عثمان» از بنی امیه است، می‌پذیرد و دلایل آنها را هم ذکر و تأیید می‌نماید و از سوی دیگر شأن نزولی که می‌گوید ضمیر غایب، متوجه شخص پیامبر ﷺ است، رد نمی‌کند و معتقد است این رفتار پیامبر ﷺ با مقام عصمت و اخلاق ایشان در تنافی نیست. برخی دلایل تفسیر نمونه به شرح زیر است:

(الف) هدف پیامبر ﷺ، نفوذ و گسترش اسلام در میان سران قریش بود.

(ب) ابن ام‌مکتوم نابینا بود و ادب را رعایت نکرد و سخن پیامبر ﷺ را به تکرار قطع کرد.

(ج) خداوند از باب ملاحظت و محبت با مؤمن مستضعف و نه حق وی، این رفتار پیامبر ﷺ را نپسندد و تأیید نکرد.

(د) اینکه پیامبر اکرم ﷺ به سبب کوچک‌ترین بی‌اعتنایی به مرد نابینا که حق بوده و باعث اذیت پیامبر ﷺ شده است، مورد عتاب واقع می‌شود، دلیل حقانیت و عظمت پیامبر ﷺ است.

(ه) روایت احترام پیامبر اکرم ﷺ به آن مرد نابینا بعد از آن اتفاق، دلیل بر وقوع اتفاق است.

(و) این عتاب خداوند، نشان‌دهنده فرهنگ اسلام است که چگونه مرد فقیر حق طلب را بر غنی مشرک مقدم می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، صص ۱۲۷-۱۳۰).

۹. تفسیر نور با آنچه در تفسیر نمونه آمده، کاملاً موافق است و افزون بر آن می‌گوید: اینکه در ابتدای سوره عبس ضمیر غایب آمده، بدین جهت است که آنچه در اسلام موضوعیت دارد، چنین رفتاری (ترشروی و پشت کردن به نابینای فقیر) است و نه فاعل آن. چنین رفتاری به هر دلیلی حتی موجه، مورد پذیرش اسلام نیست (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۳۸۳).

۱۰. محمدعلی رضایی اصفهانی در تفسیر مهر، ابتدا دو شأن نزول برای آیه بیان می‌کند. اولین شأن نزول به عتاب یکی از ثروتمندان مشرک برمی‌گردد که کنار پیامبر ﷺ بود و تا نابینایی بر پیامبر ﷺ وارد شد، او دامن خود را جمع کرد و شأن نزول

دوم به شخص پیامبر ﷺ برمی گردد که به جهت مشغول بودن به هدایت ثروتمندان مشرک از شخص نابینای حق طلب غفلت کرد. ایشان شأن نزول اول را بر دوم مقدم می دارد و معتقد است از رفتار کریمانه رسول اکرم ﷺ، چنین عملی به دور است و در ادامه می نویسد شأن نزول دوم از جهت ترک اولی مانعی ندارد. ایشان معتقد است پیامبر اکرم ﷺ به جهت مشغولیت به امور تبلیغی ممکن است غفلتی از او صادر شده باشد که این غفلت به مقام عصمت و اخلاق ایشان خللی وارد نمی سازد، بلکه تنها جنبه ترک اولی و عتاب خداوند هم در همین راستا بوده است (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۲۲، صص ۷۱-۷۳).

۲. دیدگاه مفسران مشهور اهل سنت به ترتیب تاریخی

از سده های نخست نزول قرآن کریم تا کنون مفسران اهل سنت صدها تفسیر برای قرآن نوشته اند که دیدگاه همه آنان درباره آیات نخست سوره عبس در یک مقاله ممکن نیست؛ از این رو دیدگاه برخی مفسران معروف اهل سنت را به ترتیب تاریخی بیان می کنیم.

۱. محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق)، مرجع ضمائر غایب در آیه نخست سوره عبس را پیامبر ﷺ می داند و معتقد است پیامبر ﷺ مشغول گفتگو با صنادید عرب بود که ابن ام مکتوم نابینا بر وی وارد شد. وی درخواستی داشت که پیامبر اکرم ﷺ با ترشروی از وی روی گرداند. به همین جهت مورد عتاب خداوند قرار گرفت (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، صص ۱۱۸-۱۱۹).

۲. محمود زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ق) همانند طبری آیه را تفسیر می کند و برای تأیید تفسیر خود، حدیث «مرحباً» را ذکر می کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، صص ۷۰۱-۷۰۲).

۳. محمد بن عمر فخرالدین رازی (۵۴۴-۶۰۶ق) بر این نظر است که ضمیر غایب در آیه «عبس و تولى» به پیامبر اکرم ﷺ برمی گردد. وی مفسران اهل سنت را در تفسیر این آیات متفق القول برمی شمرد و بر دیدگاه طبری و زمخشری است.

وی براساس گرایش کلامی اش، برای دیدگاه خود دلایلی برمی شمرد. بنابر دیدگاه وی، عبدالله بن ام مکتوم، مستحق تأدیب بوده و پیامبر ﷺ باید او را ادب می کرده است؛ دلایل وی به شرح ذیل است:

الف) ابن ام مکتوم نابینا، ولی شنوا بود. ابن ام مکتوم به اهتمام پیامبر ﷺ بر هدایت آن گروه مشرک، واقف بود و صدای پیامبر را می شنید؛ ولی با این حال درخواست خود را تکرار کرد و باعث آزار پیامبر ﷺ شد و آزار پیامبر ﷺ گناه بزرگی است.

ب) پیامبر ﷺ، تقدیم اهم بر مهم کرده است. هدایت مشرکان به اسلام، مقدم بر درخواست مسلمان هدایت شده است؛ چون هدایت آن افراد مشرک و مسلمان شدن آنان، موجب مسلمان شدن عده زیادی از مشرکان می شد.

ج) طبق آیه «إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (حجرات، ۴)، نباید بی وقت پیامبر اکرم ﷺ را صدا کرد و درخواست نابینا بی وقت بود؛ پس کارش معصیت بود؛ بنابراین کار ابن ام مکتوم معصیت بود و کار پیامبر اکرم ﷺ واجب بود.

فخرالدین رازی در ادامه می نویسد: اگر نابینا مستحق تأدیب بود، چرا پیامبر ﷺ مؤاخذه شده است؟!

وی در پاسخ دو احتمال را مطرح می کند:

اول رفع توهم تقدم اغنيا بر فقرا از سوی پیامبر اکرم ﷺ؛ دوم میل قلبی پیامبر ﷺ به اغنیا به جهت قرابت و منصب (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۵۴).

۴. عبدالله بن عمر بیضاوی (متوفای ۶۹۱ق) در تفسیر خود با دیدگاه مفسران پیشین اهل سنت موافق است. وی در تفسیر خود اضافه می کند اهتمام پیامبر به ثروتمند و غفلت از فقیر باعث شده است عتاب شود (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، صص ۶ و ۲۸۶).

۵. جلال الدین سیوطی (از علمای سده ۹ و ۱۰ قمری) در تفسیر آیات نخست سوره عبس، همانند بیضاوی عمل کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۱۵).

۶. سید محمود آلوسی (۱۲۱۷-۱۲۷۰ق) آیات نخست سوره عبس را همانند مفسران پیشین اهل سنت تفسیر می کند. وی استفاده از ضمیر غایب و تغییر به مخاطب را شأن و اجلال پیامبر می داند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، صص ۲۴۱-۲۴۲).

۷. سید قطب (۱۳۲۴-۱۳۸۷ق) نیز همانند مفسران پیشین اهل سنت آیات نخست سوره عبس را تفسیر می‌کند و تکرار آیات را نشان از عتاب شدید خداوند می‌شمارد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، صص ۳۸۲۲-۳۸۲۳).

جمع‌بندی و تقسیم‌نهایی دیدگاه‌ها

براساس آنچه در تفاسیر شیعی آمده است، می‌توان دیدگاه مفسران شیعی را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. شخص نابینایی بر حضرت رسول ﷺ وارد می‌شود و حضرت ایشان را از جهت صاحب خلق عظیم بودن، بر عثکن نامی که ظاهراً ثروتمند و مشرک بوده، مقدم می‌سازد. آن شخص از آن نابینا چهره برمی‌کشد و رو بر می‌گرداند. این رفتار وی، سبب می‌شود مورد عتاب پیامبر ﷺ واقع شود. این تفسیر خاص علی بن ابراهیم قمی است و این شأن نزول منحصر به فرد ایشان است.

۲. شخص نابینایی بر حضرت رسول ﷺ وارد می‌شود و از حضرت می‌خواهد قرآن را برای او بخواند تا حفظ کند و هدایت یابد. وی خواسته‌اش را چندین بار تکرار می‌کند. از آنجایی که حضرت با گروهی از مشرکان مرفه در حال گفتگو برای دعوت به اسلام بود، از تکرار خواسته نابینا مکدر و عبوس می‌شود و به آن نابینا پشت می‌کند. خداوند پیامبر را به سبب این رفتار عتاب می‌کند. مرحوم طبرسی چنین عقیده‌ای دارد و تفسیر نور و تفسیر نمونه این نظر را خالی از اشکال می‌دانند و با برشمردن دلایلی، آن را در تنافی با مقام عصمت و خلق عظیم پیامبر ﷺ نمی‌شمارد.

۳. آنکه روی ترش می‌کند و پشت می‌کند، پیامبر اکرم ﷺ نیست، بلکه یکی از ثروتمندان بنی‌امیه به نام عثمان است که به جهت فقر و نابینایی ابن‌ام‌مکتوم روی ترش می‌کند و از وی روی برمی‌گرداند و به او پشت می‌کند. آن‌گاه پیامبر ﷺ با مشاهده این رفتار، آن شخص را عتاب می‌کند. این تفسیر که شیخ طوسی، سید مرتضی و علامه طباطبایی آن را نقل کرده‌اند، به جهت توجه و اهتمام به عظمت، عصمت و صاحب خلق عظیم رسول اکرم ﷺ است.

۴. دیدگاه چهارم، جمع میان دیدگاه دوم و سوم است که طبق آن، مفسران میل به نظر مشهور دارند، ولی معتقدند حتی اگر خطاب آیه، حضرت رسول اکرم ﷺ باشد، این خطاب با مقام عصمت و جایگاه اخلاقی ایشان در تنافی نیست. در این دیدگاه، دلایل هر دو دسته منطقی شمرده شده و پذیرفتی است. در تفسیر نمونه و تفسیر نور با پذیرش عدم تنافی خطاب آیه به پیامبر اکرم ﷺ با عصمت و اخلاق پیامبر، از موافقان این تفسیر هستند و حتی می‌توان از فحوای این دو کتاب تفسیری، تقدم این تفسیر را به جهت ابهام در ضمائر غایب ابتدایی، نتیجه گرفت. تفسیر مهر نیز با اشاره به مشخص نبودن ضمائر غایب در آیات ابتدایی و نیز دلایل قرآنی و سیره و سنت حضرت رسول ﷺ، عتاب را متوجه رفتار یکی از بنی‌امیه مانند عثمان می‌کند و در عین حال با تفسیر نمونه و تفسیر نور تا حدودی همراهی دارد.

براساس آنچه بیان شد، دیدگاه مفسران اهل سنت چنین است: همگی هم‌نظر و موافق با تفسیر دوم شیعه هستند؛ یعنی ضمائر غایب به پیامبر اکرم ﷺ برمی‌گردد و مخاطب در ضمائر خطاب نیز آن حضرت است و به کارگیری صیغه غایب به جهت شأن پیامبر ﷺ است. فخرالدین رازی نیز به شکلی عقلی و کلامی بحث خود را مستدل می‌کند؛ بنابراین در مجموع مفسران فریقین موافق با یکی از این سه تفسیر هستند.

تحلیل و بررسی نهایی

در بررسی و تحلیل آیات نخست سوره عبس، نکاتی در حوزه علم کلام و علم اخلاق وجود دارد که در تحلیل و تفسیر آیات یادشده نقش آفرین است:

۱. بازگشت ضمائر غایب در آیه نخست سوره عبس به پیامبر اکرم ﷺ با مقام عصمت آن حضرت ناسازگار است؛ همچنان که سید مرتضی و علامه طباطبایی فرموده‌اند؛ زیرا ترشروی به مسلمان و رویگردانی از او برای پیامبری که رحمة للعالمین است، گناه محسوب می‌شود (حوزه کلام).

۲. برخی رفتارها قبح عقلی دارند. از نظر عقل ترشروی به فرد مسلمان و رویگردانی از او، نه تنها از سوی پیامبر، بلکه از سوی علمای باتقوا و حتی از سوی افراد عادی قبیح

و نکوهید است؛ البته نسبت به موقعیت و جایگاه اجتماعی هر شخص مقدار قبح و نکوهش متفاوت خواهد بود (حوزه کلام).

۳. خداوند پیامبر اکرم ﷺ را صاحب خُلق عظیم (قلم، ۴) و رحمة للعالمین (انبیاء، ۱۰۷) معرفی کرده است. ترشروی به فرد مسلمان و رویگردانی از او با خُلق عظیم پیامبر ﷺ و رحمة للعالمین بودن ایشان سازگار نیست (حوزه اخلاق).

۴. هنگامی که رفتار رسول اکرم ﷺ را در طول زندگانی ایشان بررسی می‌کنیم، ترشروی به فرد مسلمان و رویگردانی از او با شیوه و سنت ایشان هماهنگ نیست (حوزه اخلاق).

توجه به نکات یادشده در حوزه کلام و حوزه اخلاق ما را به گزینش آنچه در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است، سوق می‌دهد. نکات ذیل این گزینش را تقویت می‌کند:

الف) علی بن ابراهیم در سده سوم هجری و در عصر حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام زیست می‌کرده است؛ از این رو میان وی با ائمه یا واسطه نبوده یا بسیار کم بوده است و این نکته موجب اعتماد به روایات و سخنان وی می‌شود.

ب) شأن نزولی که وی نقل کرده است، منطقی‌تر از دو شأن نزول دیگر است و از قرار گرفتن در تکلفات برخی نسبت‌ها به پیامبر اکرم ﷺ به دور است.

ج) شاید نام «عثکن» که در شأن نزولی ذکر شده، همان عثمان باشد که به سبب تقیه این نام را گفته‌اند؛ بنابراین آن مرد ثرتمند عثمان بوده است.

ه) بنا بر شأن نزولی که علی بن ابراهیم ذکر کرده است، در ترجمه آیات نخست سوره عبس هیچ‌گونه ابهامی باقی نمی‌ماند. توضیح این است که در آیه «وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى وَهُوَ يَخْشَى فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى؛ و اما آن که برای آمدن به سوی تو سعی می‌کند و او انسان خدا ترسی است، پس تو از او روی بر می‌گردانی؟!» (عبس، ۸-۱۰) شخصی که نایباً به سوی وی با تلاش آمد، چه کسی بود؟ بنا بر شأن نزولی که مفسران اهل سنت نقل کرده‌اند و بنا بر تفسیر آنان، آن شخص، پیامبر اکرم ﷺ است که نایباً با تلاش به سوی ایشان آمد؛ اما بنا بر تفسیر سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه طباطبایی و موافقان آنان، آیه ابهام دارد. آنان از یک سو می‌گویند مراد از ضمائر غایب و مخاطب

پیامبر اکرم ﷺ نیست و از سوی دیگر می‌گویند آن نایبنا با تلاش نزد پیامبر آمد. در خصوص باقی‌نماندن ابهام خاص در ترجمه این آیه، گفتنی است چنانچه غیر تفسیر علی بن ابراهیم پذیرفته شود، حتی در تفسیر شیخ طوسی، علامه طباطبایی و موافقان آنها، ابهامی در قسمتی از یک آیه باقی خواهد ماند. گفته شد شخص عبوس غیر رسول اکرم ﷺ است و حق هم همین است. آن شخص عبوس مورد عتاب حق تعالی یا پیامبر ﷺ از سوی خدا قرار می‌گیرد. تا اینجا مطلب صریح و روشن است؛ ولی در آیات بعدی خداوند می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى وَهُوَ يَحْشَى فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى؛ و اما آن که برای آمدن به سوی تو سعی می‌کند و او انسان خداترسی است، پس تو از او روی بر می‌گردانی؟!» (عبس، ۸-۱۰). این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا شخص نایبنا به سوی حضرت رسول ﷺ سعی کرد یا آن شخص از بنی‌امیه؟ پاسخ این سؤال بنابر همه شأن نزول‌هایی که گذشت، قطعاً شخص نایبنا است؛ زیرا او خواهان طلب هدایت از ایشان بوده است، مگر آنکه گفته شود آن شخص به دلیل نایبنایی به اشتباه به سمت غیر رسول خدا ﷺ سعی کرده است که اگر چنین باشد، نیت وی شرط است که به قصد رسول اکرم ﷺ بوده است و اگر گفته شود اساساً این شخص از ابتدا غیر رسول اکرم ﷺ را قصد نموده است، چنین شأن نزولی در میان تقسیم‌بندی شأن نزول مفسران شیعی و اهل سنت دیده نشد و منطقی هم به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تا وقتی خود حضرت رسول حضور دارند شخص نایبنا هدایت را از غیر رسول اکرم طلب نمی‌کند. این ابهام در تفسیر مشهور مفسران شیعی به چشم می‌خورد و این نکته مغفول باقی مانده است.

نویسنده معتقد است؛ تفسیر علی بن ابراهیم می‌تواند این بخش از ابهام در آیه را نیز پوشش دهد؛ زیرا در بیان شأن نزول، اندکی متفاوت از دیگر مفسران شیعی عمل کرده است. بار دیگر این شأن نزول مرور می‌شود تا فضای بحث روشن تر گردد.

علی بن ابراهیم در تفسیر خود می‌نویسد: شخص نایبنا فیقر، «عبدالله بن ام‌مکتوم» بوده است که بر شخص پیامبر اکرم ﷺ وارد می‌شود. پیامبر ﷺ کنار برخی بزرگان و صنادید عرب و از جمله شخصی به نام «عشکن» بوده است. ایشان ابن ام‌مکتوم را بر عشکن مقدم می‌کند و این سبب ناراحتی عشکن و روی‌برگرداندن وی از شخص نایبنا

می‌شود. بر این اساس، ضمایر در آیه «عبس و تولی» به عثکن برمی‌گردد. پیامبر ﷺ عثکن را سرزنش می‌کند و عتاب‌های آیات بعدی، در سوره عبس در حقیقت عتاب پیامبر اکرم ﷺ به عثکن است که به آن نایبای فقیر با این عمل خود، توهین و بی‌حرمتی می‌کند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۴۰۴-۴۰۵). در این شأن نزول به این مطلب که نایبای به قصد پیامبر ﷺ و برای هدایت آمده، اشاره‌ای نشده است، بلکه گویا حضرت و برخی افراد از جمله عثکن در مسجد حضور داشتند و شخص نایبای بر آنها یعنی بر این مجلس وارد شده است. تقدم نایبای بر عثکن در پاسخ به سؤال یا در هر امر دیگری، سبب رنجش عثکن شده و چهره از نایبای برکشیده است. این رفتار نادرست از سوی عثکن باعث شده است تا خداوند از پیامبر اکرم ﷺ بخواهد با این آیات، به عثکن تذکر دهد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این شأن نزول و تفسیر از تکلفات کلامی - اخلاقی که مفسران دیگر در آن قرار می‌گیرند، به دور است و از طرفی آن نقطه ابهام به آن شکل پررنگی که در تفاسیر دیگر مشاهده می‌شود، در این تفسیر وجود ندارد. از طرفی دلایل محکمی برای پذیرش این تفسیر، موجود است که گذشت.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که ذکر شد، روشن شد که آیات ۱-۱۰ سوره عبس از دو جهت ابهام دارد؛ یکی از جهت ضمایر غایب در «عبس»، «تولی» و «جاء» و دوم از جهت ضمایر خطاب «جاء کئ»؛ از این رو در تفسیر این آیات اختلاف شده است. نیز روشن شد که دو چیز در تعیین مرجع این ضمایر نقش دارد: یکی مبنای کلامی و اخلاقی در مورد رسول اکرم (گستره عصمت آن حضرت و خلق عظیم آن حضرت) و دوم شأن نزول‌هایی که برای این سوره نقل شده است.

از میان دیدگاه‌های مفسران شیعه و اهل سنت، آن دیدگاهی که مشکل کلامی و اخلاقی ندارد و با دیگر آیات قرآن که مرتبط با رسول اکرم است، هماهنگ می‌باشد، دیدگاه علی بن ابراهیم قمی است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (محقق: عطیه علی عبد الباری). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن (محقق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه). قم: بنیاد بعثت.
۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل (محقق: محمد بن عبد الرحمن المرعشلی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ رستمی، احترام. (۱۳۹۶). بررسی رویکرد مفسران در تفسیر آیات نخست سوره عبس». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، ۸(۳۱)، صص ۷-۲۴.
۵. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی.
۶. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
۷. سید قطب. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
۸. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (محقق: محمد جواد بلاغی). تهران: ناصر خسرو.
۱۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (محقق: احمد قصیر عاملی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین (محقق: سیدهاشم رسولی محلاتی). قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۴. علم الهدی، سیدمرتضی. (بی تا). تنزیه الانبیاء. قم: دارالشریف الرضی.
۱۵. فخرالدین رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر قمی (محقق: طیب موسوی جزائری). قم: دارالکتاب الاسلامیه.
۱۸. محسنی، سید کاظم. (۱۳۹۳). تحلیل دیدگاه تفسیری فریقین در خصوص آیات آغازین سوره عبس. «مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث»، (۳). صص ۱۲۵-۱۴۲.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

References

* The Holy Quran.

1. Alam al-Huda, S. M. (n.d.). *Tanzih al-Anbiya* '. Qom: Dar al-Sharif al-Radhi.
2. Alusi, S. M. (1415 AH). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azeem*. (Abd al-Bari, A, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
3. Arousi Howeizi, A. (1415 AH). *Tafsir Noor al-Thaqalin*. (Rasooli Mahallati, S. H, Ed.). Qom: Ismailian Publications. [In Arabic]
4. Bahrani, S. H. (1416 AH). *Al-Brhan Fi Tafsir Al-Quran*. Qom: Besat Foundation. [In Arabic]
5. Beizawi, A. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil va Asrar al-Tawil*. (Al-Marashli, M, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
6. Fakhruddin Razi, M. (1420 AH). *Mafatih al-Qaib*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
7. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyh. [In Persian]
8. Mohseni, S. K. (1393 AP). Analysis of the interpretive view of Fariqain regarding the first verses of Surah Abasa. *Journal of Comparative Studies of Quran and Hadith*, (3). Pp. 125-142. [In Persian]
9. Qaraati, M. (1383 AP). *Tafsir Nour*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran. [In Persian]
10. Qomi, A. (1363 AP). *Tafsir Qomi*. (Mousavi Jazayeri, T, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]
11. Rezaei Isfahani, M. A. (1387 AP). *Tafsir Quran Mehr*. Qom: Publications of Quranic Interpretation and Sciences Research. [In Persian]
12. Rezaei Isfahani, M., & Rostami, E. (1396 AP). A study of the approach of commentators in interpreting the first verses of Surah Abasa. *Journal of Interpretive Studies*, 8(31), pp. 7-24. [In Persian]
13. Sayed Qutb. (1412 AH). *Fi Zalal al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Shorouq. [In Arabic]

14. Siouti, J. (1404 AH). *Al-Dor al-Manthur fi Tafsir al-Mathur*. Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi. [In Arabic]
15. Tabari, A. (1412 AH). *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
16. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (Balaghi, M. J, Ed.). Tehran: Naser Khosrow. [In Persian]
17. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
18. Tusi, M. (n.d.). *Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran*. (Ameli, A. Q, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
19. Zamakhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashaf an Haqa'eq Qawamiz al-Tanzil..* Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]